آثار جهانی شدن بر شاخص‌های فقر

سیدنعمت‌اله موسوی*، محمد بخشوده**، حمید محمدی***، سعید یزدانی****، فرزانه طاهری*****

طرح مسأله: *برخی بر این باورند که بین کاهش فقر و آزادسازی تجارت رابطهٔ مثبت وجود دارد. از سوی دیگر مطالعاتی نیز به ارتباطی منفی بین آن‌ها دست یافتند.*

روش: *در این مطالعه اثر جهانی‌شدن بر شاخص‌های فقر شامل درصد افراد فقیر و شکاف فقر در دو چارچوب خرد و کلان ارزیابی شد.*

یافته‌ها: *بر اساس نتایج الگوی کلان در میان خانوارهای شهری، شاخص جهانی‌شدن اثر قابل‌ملاحظه‌ای بر درصد افراد زیر خط فقر نشان نداد اما مشخص گردید ۱ درصد رشد در این شاخص منجر به ۲/۹۵ درصد کاهش در شکاف فقر می‌شود. در میان خانوارهای روستایی مشخص شد جهانی‌شدن باعث کاهش نسبت سرشمار فقر و افزایش شکاف فقر می‌گردد. نتایج چارچوب خرد نشان داد جهانی‌شدن در بازار گندم و همچنین افزایش قیمت نان به تنهایی باعث تغییر قابل‌ملاحظه در شاخص‌های یاد شده نمی‌شود.*

نتایج: *جهانی‌شدن باعث کاهش شکاف فقر شهری و نسبت سرشمار فقر روستایی و افزایش شکاف فقر روستایی می‌گردد.*

کلید واژه‌ها: جهانی‌شدن، فقر، گندم

تاریخ دریافت: ۸۵/۷/۱۵ ***تاریخ پذیرش: ۸۶/۳/۲۵***

* دکتر اقتصاد کشاورزی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت <mousavi_sn@yahoo.com>

** دکتر اقتصاد کشاورزی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

*** دکتر اقتصاد کشاورزی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

**** دکتر اقتصاد کشاورزی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

***** کارشناس ارشد اقتصادکشاورزی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مقدمه

جهانی شدن اقتصاد بر تحرک فزایندهٔ نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی، گسترش تجارت بین‌المللی به معنای به هم پیوستگی روزافزون بازارها و گسترش ارتباطات تاکید دارد. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات و افزایش جریان سرمایهٔ بین‌المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی می‌شود (Navazish,1998).

یکی از موارد بحث‌انگیز در ادبیات جهانی شدن، اثر آن بر شرایط زندگی گروه‌های درآمدی و یا به‌طور روشن‌تر، بر فقر و توزیع درآمد میان گروه‌های درآمدی می‌باشد. برخی بر این باورند که بین کاهش فقر و آزادسازی تجارت رابطهٔ مثبت وجود دارد (Mujeri, 2002). از سوی دیگر مطالعاتی نیز به ارتباطی منفی بین آن‌ها دست یافتند (Greenaway, et al. 2002). این اختلاف در نتایج به جز استفاده از متغیرهای مختلف برای آزادسازی، به علت استفاده از متدولوژی‌های مختلف نیز بوده است. با این حال بسیاری از اقتصاددانان عقیده دارند که در درازمدت اقتصادهای باز بهتر از اقتصادهای بسته عمل می‌کنند؛ اما همچنان بیم آن می‌رود که در کوتاه مدت آزادسازی تجاری به گروه‌های فقیر در اقتصاد بیشتر صدمه بزند و حتی در بلندمدت با وجود موفقیت رژیم‌های باز، ممکن است بعضی از مردم فقیر باقی بمانند (Winters, et al. 2004). این در حالی است که در حال حاضر درصد بالایی از خانوارهای زیر خط فقر قرار دارند (فرجزاده و نجفی، ۱۳۸۳). از این رو لازم است با دقت بیشتری به بررسی اثر جهانی‌شدن بر روی فقر پرداخته شود.

۱) سوابق پژوهش

در سمپوزیم جهانی شدن اقتصاد، آزادسازی و جهانی شدن اقتصاد معادل رشد تجارت، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعریف نمودند (Arndt, 1996). از این رو در میان اغلب کشورهای در حال توسعه، حرکت در جهت جهانی شدن مترادف با کاهش و حذف موانع تجاری همچون کاهش تعرفهٔ واردات، حذف یارانه‌ها و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. در این قسمت برخی از مطالعات که اثر موارد فوق را بر روی شرایط گروه‌های فقیر بررسی نموده‌اند مرور شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

– سشمانی اثرات آزادسازی بازار مواد غذایی و چالش‌های متعاقب آن را بر روی فقر و امنیت غذایی در کشور زامبیا مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد تا هنگامی که کشاورزان خرده پا با وضعیت فعلی به تولید بپردازند و ماده غذایی عمدهٔ مورد مصرف نیز ذرت باشد، نمی‌توان به تأمین امنیت غذایی و کاهش فقر پس از آزادسازی امیدوار بود (Seshamani, 1999).

– دکالوئه و همکارانش اثرات کاهش قیمت صادراتی و تعرفهٔ وارداتی را بر روی فقر تجزیه و تحلیل کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که کاهش در تعرفه‌های وارداتی به نفع گروه‌های فقیر است (Decaluwe, et al. 1999).

– سیدیکی و همکارانش (Siddiki, et al. 2000) به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر فقر در پاکستان پرداختند. سناریوها شامل کاهش نرخ‌های تعرفه در غیاب کاهش دریافت‌های خارجی و کاهش نرخ تعرفه‌ها همراه با کاهش کمک‌های دریافتی از دنیای خارج بود. یافته‌ها نشان داد که کاهش تعرفه‌ها بدون کاهش کمک‌های دریافتی از دنیای خارج درصد افراد فقیر و شکاف فقر را در میان خانوارهای شهری و روستایی کاهش می‌دهد. اما سناریوی دوم شاخص‌های فقر را در مناطق شهری افزایش می‌دهد ولی برای خانوارهای روستایی خنثی عمل می‌کند.

– دوروش و همکارانش (Dorosh, et al. 2000)، اثرات آزادسازی تجاری و نرخ مبادله را روی فقر در کشورهای کامرون، گامبیا، ماداگاسکار و نیجر بررسی نمودند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آزادسازی نرخ مبادله و تجارت به نفع خانوارهای فقیر در مناطق شهری و روستایی است.

– بهاسین و همکارانش (Bhasin, et al. 2005)، اثرات حذف مالیات‌های تجاری را بر فقر در غنا مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش سناریوی اول به‌صورت حذف کامل تعرفه‌های وارداتی برای همهٔ واردات همراه با افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده، و سناریوی دیگر به‌صورت حذف کلیهٔ مالیات‌های صادرات و افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده بود. نتایج نشان داد که سناریوی اول فقر را کاهش، اما سناریوی دوم آن را افزایش می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

اما در کشور خودمان، در خصوص ارزیابی اثرات ناشی از آزادسازی بر روی فقر مطالعات معدودی صورت گرفته است. مطالعهٔ رحیمی و کلانتری (۱۳۷۱) که آثار حذف یارانهٔ کالاهای روغن نباتی، گندم، قند و شکر و چای را مورد بررسی قرار دادند نشان داد که با حذف یارانهٔ کالاهای اساسی، حدود ۹ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و حدود ۲ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی اضافه خواهد شد.

همچنین بر اساس نتایج مطالعهٔ شوشتریان (۱۳۸۲) مشخص شد که با وقوع آزادسازی، میزان فقر در جامعه افزایش و رفاه اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت که کاهش رفاه اجتماعی و افزایش فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری شدت بیشتری خواهد داشت.

یافته‌های بررسی فرجزاده (۱۳۸۳) نشان داد در صورتی که یارانه کالاهای اساسی شامل نان برنج، روغن و قند و شکر کاهش یابد و قیمت آن‌ها به دو برابر سطح فعلی‌شان برسد، آن‌گاه شاخص تعداد افراد فقیر در مناطق شهری و روستایی به ترتیب حدود ۹ درصد و ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین میزان افزایش در دو شاخص شکاف و شدت فقر در اثر سناریوی فوق به مراتب بالاتر از ارقام فوق به دست آمد.

۲) روش

در مطالعهٔ حاضر، اثرات جهانی‌شدن بر فقر در دو قالب خرد و کلان مورد ارزیابی قرار گرفته است. نخست با استفاده از الگوی راوالیون (Ravalion, 2006)، اثر جهانی شدن بر روی درصد افراد فقیر و همچنین شکاف فقر مورد بررسی قرار گرفته است. این الگو به‌صورت زیر است:

$$\Delta \ln P_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta \ln P_{t-1} + \beta_0 \Delta \ln GNP_t + \beta_1 \Delta \ln GNP_{t-1} + \gamma_0 \Delta^2 \ln CPI_t + \gamma_1 \Delta^2 \ln CPI_{t-1} + \theta_0 \Delta \ln T_t + \theta_1 \Delta \ln T_{t-1} + \varepsilon_t \qquad (۱)$$

که درآن،P شاخص فقر، GNP تولید ناخالص ملی، CPI شاخص قیمت مصرف‌کننده و T شاخص بیان‌گر جهانی شدن است که به‌صورت نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

ناخالص ملی مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه، همانند مطالعهٔ اسمیت و همکاران (۲۰۰۴)، از ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی به‌عنوان ارزش افزوده روستایی و از ارزش افزودهٔ غیرکشاورزی به‌عنوان تولید بخش شهری استفاده گردید. در الگوی فوق پانویس t-1 بیان‌گر مقادیر متغیرها در دورهٔ گذشته، دو دورهٔ گذشته و سه دورهٔ گذشته می‌باشد. متغیرها نیز به‌صورت تفاضل مقادیر لگاریتمی آن‌ها استفاده گردید.

در تحلیل خرد، از نتایج حاصل از برآورد توابع گندم استفاده گردید. لازم به ذکر است که از میان محصولات تحت بررسی بر اساس نتایج مطالعهٔ فرجزاده (۱۳۸۳) نان به‌طور فراگیر و به لحاظ مقداری نزدیک به یکدیگر در میان دهک‌های درآمدی مختلف استفاده می‌گردد. این مشابهت در میزان مصرف، امکان استفاده از داده‌های درآمد هزینهٔ خانوار را در بررسی اثرات جهانی شدن بر روی فقر میسر می‌سازد. لذا این کالا برای بررسی انتخاب گردید؛ به این ترتیب که با استفاده از ضرایب به‌دست آمده برای متغیر بیان‌گر تجارت خارجی در توابع عرضه، تقاضا و واردات حاصل از مطالعهٔ موسوی (۱۳۸۵)، سطوح مختلف افزایش در شاخص ادغام تجاری (به‌عنوان شاخصی از توسعهٔ جهانی شدن) انتخاب و اثر آن بر روی میزان مصرف گندم (نان) ارزیابی گردید. در ارزیابی اثر جهانی شدن بر مصرف، دو رویکرد مجزا برای ارزیابی لحاظ شد. در رویکرد اول تغییرات مصرف گندم به‌صورت مجموع تغییرات عرضه و واردات در نظر گرفته شد اما در رویکرد دوم میزان تغییرات مصرف معادل با تغییرات در تقاضا در نظر گرفته شد. سطوح افزایش در شاخص ادغام تجاری نیز شامل ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد بود. علاوه بر تغییر در شاخص ادغام تجاری، سطوح مختلفی از تغییرات در قیمت نان به‌صورت افزایش، انتخاب و اثر آن بر روی سطح مخارج و همچنین شاخص‌های فقر ارزیابی گردید. افزایش قیمت نان بر اساس این استنباط انتخاب و مورد سنجش قرار گرفت که به‌دنبال جهانی شدن، کاهش یارانه‌ها از جمله الزامات می‌باشد لذا از پیامدهای همگرایی با اقتصاد جهانی، افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای می‌باشد. سطوح افزایش قیمت نان نیز شامل ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد می‌باشد. تغییر در میزان تقاضا نیز بر اساس روابط ارائه شده به‌صورت مجموع تغییرات در عرضهٔ داخلی و واردات در نظر گرفته شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

به‌منظور بررسی اثرات سناریوهای مختلف بر فقر نیز از شاخص FGT استفاده شد. این شاخص به‌صورت زیر تعریف می‌شود (Datt, 1998):

$$P_\alpha=\int_0^z\left[\frac{Z-X}{Z}\right]^\alpha f(X)dX \qquad \alpha\geq 0 \qquad (۲)$$

که در آن X مخارج مصرفی خانوار است، $f(X)$ تابع چگالی مخارج مصرفی خانواده (نسبت جمعیتی که مخارج X را مصرف می‌کنند)، Z بیان‌گر خط فقر است و از قبل و بر حسب متغیرهایی که در اندازه‌گیری فقر به‌کار می‌روند، تعیین می‌شود و α نیز یک پارامتر غیرمنفی است. رابطهٔ فوق را می‌توان به شکل سادهٔ زیر نیز نوشت (Minot & Goletti, 2001):

$$P_\alpha=\left(\frac{1}{N}\right)\sum\left(\frac{Z-X}{Z}\right)^\alpha \qquad (۳)$$

که در آن N تعداد جمعیت می‌باشد. مقادیر بالاتر α بیان‌گر حساسیت بیشتر شاخص فقر به نابرابری میان افراد فقیر است. آن‌چه که در حوزهٔ بررسی مطالعهٔ ما قرار می‌گیرد مقادیر α=0,1,2 می‌باشد که بترتیب شاخص‌های تعداد افراد فقیر، شکاف فقر، و شدت فقر می‌باشد. بر اساس این معادله نیز می‌توانیم اثر تغییر قیمت کالاها را بر سه شاخص تعداد افراد فقیر، شدت و شکاف فقر بررسی کنیم.

شاخص شکاف فقر عمق فقر را اندازه‌گیری می‌کند و بر اساس تفاوت درآمد هر خانوار یا فرد فقیر از خط فقر تعیین می‌شود. این شاخص از طریق نسبت شکاف فقر (که از اختلاف درآمد افراد زیر فقر با میزان درآمدی که به عنوان خط فقر تعیین شده) به میزان خط فقر به دست می‌آید. شدت فقر نیز به‌صورت مجذور شکاف فقر می‌باشد. شاخص شدت فقر مجموع مجذورات یاد شده را اندازه‌گیری می‌کند.

داده‌های مورد استفاده نیز شامل ضرایب متغیر بیان‌گر جهانی شدن در توابع عرضه، تقاضا و واردات گندم و داده‌های درآمد هزینهٔ خانوار برای سال ۱۳۸۳ بود. ضرایب فوق از مطالعهٔ موسوی (۱۳۸۵) به دست آمد و داده‌های درآمد و هزینهٔ خانوار از مرکز آمار ایران تهیه شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

۳) یافته‌ها

۱-۳) الگوی کلان اقتصادی اثر جهانی شدن بر فقر

متغیرهای مورد استفاده در این رهیافت شامل مقادیر سری زمانی شاخص‌های نسبت سرشمار و شکاف فقر، شاخص قیمت مصرف‌کننده، ارزش افزوده در بخش‌های شهری و روستایی و کل کشور، و نسبت حجم تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی می‌باشند. البته مقادیر رشد متغیرهای یاد شده در برآورد توابع، مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به این‌که مقادیر متغیرهای یاد شده از نوع سری زمانی بودند، لذا ابتدا خصوصیات آماری آن‌ها و تشابه این رفتار آماری در میان متغیرها با استفاده از آزمون دیکی و فولر تعمیم یافته بررسی گردید. بر اساس نتایج به جز در مورد متغیر شاخص قیمت مصرف‌کننده که در سطوح معنی‌داری ۱۰ درصد و بیشتر رفتار پایا دارد، و همچنین متغیرهای ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی (روستایی) و شکاف فقر روستایی که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ایستا هستند، سایر متغیرها در سطوح اطمینان ۹۹ درصد ایستا هستند. لازم به ذکر است برای مجموع خانوارهای کشور (شهری و روستایی) تنها شاخص سرشمار فقر قابل دسترس بود، لذا تنها عوامل مؤثر بر نسبت سرشمار فقر در میان مجموع این خانوارها برآورد گردید. حال به تحلیل نتایج به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل می‌پردازیم.

۱-۱-۳) خانوارهای شهری

نتایج به‌دست آمده برای توابع شهری در جدول شمارهٔ ۱ خلاصه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اثر متغیر بیان‌گر جهانی شدن، یعنی نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی، بر درصد افراد زیر خط فقر اثر قابل ملاحظه‌ای ندارد، حال آن‌که اثر آن بر شکاف فقر منفی می‌باشد که این اثر از اهمیت آماری لازم نیز برخوردار است. اثر جهانی شدن بر شکاف فقر شهری اثری ماندگار در طی دورهٔ بعدی نیز می‌باشد. بر اساس نتایج مندرج در جدول شمارهٔ ۱، ۱ درصد رشد در مقدار نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی در دورهٔ جاری منجر به ۲/۹۵ درصد بهبود در شکاف فقر در دورهٔ بعدی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

می‌شود. تغییر یاد شده در مقدار متغیر نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی به میزان ۳/۲ درصد کاهش در شکاف فقر در دورهٔ بعدی را باعث می‌گردد. اما اثر این متغیر بر شاخص درصد افراد فقر علی‌رغم مثبت بودن فاقد اهمیت آماری است.

جدول ۱: نتایج حاصل از برآورد تابع عوامل موثر بر درصد افراد فقیر (نسبت سرشمار فقر) شکاف فقر در مناطق شهری ایران طی دوره ۸۳-۱۳۶۲

متغیر		الگوی شکاف فقر			الگوی نسبت سرشمار فقر		
		ضرایب	انحراف معیار	آماره t	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
C	عرض از مبدأ	۱۳۹/۶۲۴	۴۱/۶۶۰	۳/۳۵۱	۱۲/۳۷۲	۱۱/۷۰۳	۱/۰۵۷
FGT0(-1)	شاخص نسبت سرشمار فقر با یک وقفه	-	-	-	-۰/۷۳۲**	۰/۲۷۸	-۲/۶۳۴
FGT1(-1)	شاخص شکاف فقر با یک وقفه	-۰/۴۱۱*	۰/۲۳۰	-۱/۷۸۴	-	-	-
CPI	شاخص قیمت مصرف‌کننده	-۰/۱۱۰**	۰/۰۵۷	-۱/۹۲۴	-۰/۰۱۳	۰/۰۱۷	-۰/۷۶۷
CPI(-1)	شاخص قیمت مصرف‌کننده با یک وقفه	-۰/۱۰۲**	۰/۰۵۵	-۱/۸۶۲	-۰/۰۳۲*	۰/۰۱۹	-۱/۶۵۶
NAVAD	ارزش افزوده بخش شهری (غیرکشاورزی)	-۶/۰۰۸*	۴/۳۳۹	-۱/۳۸۴	-۱/۸۱۲*	۱/۱۲۴	-۱/۶۱۲
NAVAD(-1)	ارزش افزوده بخش شهری با یک وقفه	-۶/۸۸۷*	۴/۰۶۰	-۱/۶۹۶	-۰/۶۹۸	۱/۰۷۸	-۰/۶۴۷
TR	نسبت تجارت به تولید داخل بخش غیرکشاورزی	-۲/۹۵۵**	۱/۵۰۸	-۱/۹۵۸	-۰/۰۹۶	۰/۳۹۲	-۰/۲۴۶
TR(-1)	نسبت تجارت به تولید داخل بخش غیرکشاورزی با یک وقفه	-۳/۲۰۷**	۱/۱۲۸	-۲/۸۴۶	۰/۲۱۳	۰/۳۲۴	-۰/۶۵۵
آماره		F	R^2	LM	F	R^2	LM
		۲/۳۵۳	۰/۳۸	۱/۴۱(۰/۲۹)	۱/۹۲*	۰/۲۶	۲/۱۶(۰/۱۷)

*،** به ترتیب معنی‌دار در سطح ۱۰، ۵ درصد
مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

متغیر نرخ تورم (رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده) در میان خانوارهای شهری ایران باعث کاهش رشد شاخص سرشمار فقر می‌شود. البته این اثر در دو تصریح دارای تفاوت زیاد است، به این ترتیب که ۱ درصد رشد در تورم، باعث ۰/۰۱ کاهش در رشد شاخص نسبت سرشمار فقر می‌شود. اما این کاهش در مورد رشد شاخص شکاف فقر بالغ بر ۰/۱۱ درصد است. البته ضریب متغیر نرخ تورم تصریح شاخص سرشمار فقر در سطح اطمینان لازم معنی‌دار نمی‌باشد اما ضریب متغیر تأخیری آن به موازات ۱ درصد رشد در تورم قادر است رشد شاخص نسبت سرشمار فقر را به میزان ۰/۰۳ درصد کاهش دهد و این در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی‌دار است. اثر متغیر تأخیری تورم بر شکاف فقر نیز منفی و معنی‌دار می‌باشد و انتظار می‌رود به موازات ۱ درصد رشد تورم شکاف فقر، علاوه بر دورهٔ جاری در دورهٔ بعدی نیز به میزان ۰/۱ درصد کاهش یابد. در خصوص اثر کاهندهٔ تورم بر شاخص‌های فقر می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که افزایش تورم همراه با رونق برخی از فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد که نوعاً به دلیل کاربر بودن فرآیندهای تولیدی این رونق با به‌کارگیری نیروی کار بیشتر، و متعاقب آن افزایش درآمد حاصل از فعالیت همراه می‌باشد؛ به‌عبارت دیگر، افزایش تورم در کنار کاهش قدرت خرید عموم خانوارها به‌طور نسبی در میان خانوارهای فقیر بهبود نسبی موقعیت درآمدی خانوارها را به همراه داشته است. لازم به ذکر است همبستگی میان نسبت سرشمار فقر و تورم برابر با ۰/۴۵- و میان شکاف فقر و تورم ۰/۰۰۴ می‌باشد.

راویلیون (۲۰۰۶) در بررسی خود به‌منظور ارزیابی اثر جهانی شدن فقر روستایی در چین از متغیر قیمت تضمینی به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر شاخص‌های فقر استفاده کرد. وی از متغیر قیمت تضمینی به‌عنوان جانشینی برای متغیر رشد بخش کشاورزی استفاده نمود. همبستگی بالای میان دو متغیر قیمت تضمینی و رشد بخش کشاورزی بر اساس مطالعهٔ راویلیون و چن (۲۰۰۶) به‌عنوان توجیه این انتخاب ارائه گردید. در مطالعهٔ حاضر با توجه به این‌که در مورد خانوارهای شهری چنین متغیری وجود ندارد، لذا از متغیر نرخ رشد اقتصادی استفاده گردید. البته در الگوی روستایی نیز با توجه به عدم وجود سیاست‌های تضمینی مداوم و دسترسی به اطلاعات، در مورد تولیدات کشاورزی از نرخ رشد ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی بهره گرفته شد. علاوه بر این،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

همانند مطالعهٔ گلد اسمیت و همکاران (۲۰۰۴)، از رشد ارزش افزودهٔ غیرکشاورزی به‌عنوان رشد بخش شهری استفاده گردید. رشد بخش شهری همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۱ مشاهده می‌شود، باعث کاهش در رشد شاخص سرشمار فقر می‌گردد. اثر مقادیر تأخیری این متغیر نیز هم جهت با مقادیر جاری است، اما تنها ضریب متغیر جاری رشد ارزش افزودهٔ بخش شهری است که اثر منفی و معنی‌دار بر رشد شاخص سرشمار فقر دارد. بر طبق نتایج، ۱ درصد رشد ارزش افزودهٔ بخش شهری منجر به ۱/۸۱ درصد کاهش در رشد شاخص سرشمار فقر می‌گردد. اثر رشد ارزش افزودهٔ بخش شهری بر شاخص شکاف فقر بر حسب درصد کاهش در متغیر یاد شده به مراتب بیشتر از تأثیر آن بر شاخص سرشمار فقر است. علاوه بر این، رشد ارزش افزودهٔ شهری با تأخیر یک دوره نیز قادر است شکاف فقر را کاهش دهد. ۱ درصد رشد در ارزش افزودهٔ بخش شهری بیش از ۶ درصد کاهش در رشد شاخص شکاف فقر را موجب شود. افزایش در شاخص‌های تحت تحلیل در هر دوره با کاهش در مقدار آن‌ها در دورهٔ بعدی همراه است.

الگوی تصریح شده برای تعقیب اثر عوامل مؤثر بر شاخص سرشمار فقر تنها در توضیح ۲٦ درصد از تغییرات مساعدت دارد. الگوی مربوط به تحلیل عوامل مؤثر بر شدت فقر شهری نیز بیش از ۳۸ درصد از تغییرات در شکاف فقر را توجیه می‌کند.

۲-۱-۳) الگوی خانوارهای روستایی

در جدول شمارهٔ ۲ نیز نتایج حاصل از الگوی روستایی خلاصه شده است. در تصریح عوامل مؤثر بر شاخص سرشمار فقر تنها متغیرهای رشد ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی و نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی در سطح اطمینان ۹۰ درصد اثر معنی‌دار نشان دادند. بر خلاف الگوی شهری، رشد ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی منجر به افزایش تعداد افراد فقیر می‌شود. ۱ درصد رشد در ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی منجر به ۱/۷۵ درصد رشد در شاخص تعداد افراد فقیر می‌شود. اما رشد متغیر نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی همانند الگوی شهری منجر به کاهش شاخص نسبت سرشمار فقر می‌شود. ضریب متغیر تأخیری این متغیر اثر منفی اما فاقد اهمیت آماری بر شاخص تعداد افراد فقیر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

دارد. یکی از نکات حائز اهمیت تفاوت در جهت اثرگذاری متغیرهای تورم و رشد ارزش افزوده و مقادیر تأخیری آن‌ها است. رشد تورم همانند الگوی شهری باعث کاهش رشد شاخص نسبت سرشمار فقر می‌شود، اما متغیر تأخیری آن اثر مثبت بر شاخص تعداد افراد فقیر دارد. البته ضریب تأخیری از مقدار مطلق و اهمیت آماری بسیار پایینی برخوردار است. بین شاخص تعداد افراد فقیر و مقادیر تأخیری آن ارتباط منفی مشاهده می‌شود.

جدول ۲: نتایج حاصل از برآورد تابع عوامل موثر بر درصد افراد فقیر (نسبت سرشمار فقر) شکاف فقر در مناطق روستایی ایران طی دوره ۸۳-۱۳۶۲

متغیر		الگوی نسبت سرشمار فقر			الگوی شکاف فقر		
C	عرض از مبدأ	ضرایب	انحراف معیار	آمار t	ضرایب	انحراف معیار	آمار t
		۱/۴۲۲	۱۵/۶۹۳	۰/۰۹۰	-۴/۶۵۳	۲/۹۸۴	-۱/۵۵۹
FGT0(-1)	شاخص نسبت سرشمار فقر با یک وقفه	-۰/۲۲۶	۰/۲۲۰	-۱/۰۲۹	-	-	-
FGT1(-1)	شاخص شکاف فقر با یک وقفه	-	-	-	-۰/۱۰۴	۰/۱۵۰	-۰/۶۹۰
CPI	شاخص قیمت مصرف‌کننده	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	-۱/۰۲۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	-۰/۹۲۴
CPI(-1)	شاخص قیمت مصرف‌کننده با یک وقفه	۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	۰/۳۷۵	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	-۰/۰۳۹
NAVAD	ارزش افزودهٔ بخش شهری (غیرکشاورزی)	*۱/۷۵۱	۱/۱۰۵	۱/۵۸۳	**۰/۶۶۸	۰/۲۱۹	۳/۰۴۳
NAVAD(-1)	ارزش افزودهٔ بخش شهری با یک وقفه	-۰/۶۲۳	۱/۳۵۷	-۰/۴۵۹	۰/۲۶۰	۰/۲۳۵	۱/۱۰۶
TR	نسبت تجارت به تولید داخل بخش غیرکشاورزی	*-۰/۲۱۷	۰/۱۶۵	-۱/۳۱۴	*۰/۰۴۲	۰/۰۲۵	۱/۶۹۸
TR(-1)	نسبت تجارت به تولید داخل بخش غیرکشاورزی با یک وقفه	-۰/۱۱۵	۰/۱۴۲	-۰/۸۱۳	**۰/۰۵۱	۰/۰۲۴	۲/۱۰۰
آماره		F	R^2	LM	F	R^2	LM
		۱/۶۳۱	۰/۲۵۳	۱/۴۵(۰/۲۵)	**۵/۸۱۳	۰/۷۴۷	۰/۱۷(۰/۸۴)

* ،** به ترتیب معنی‌دار در سطح ۱۰، ۵ درصد
مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

الگوی دربرگیرندهٔ عوامل مؤثر بر شاخص تعداد افراد فقیر، علی‌رغم عدم تورش تصریح ناشی از حذف متغیر (با استناد به نتایج آزمون ریست رمزی) تنها قادر است ۲۵ درصد از تغییرات در رشد شاخص درصد افراد فقیر را تعقیب نماید. آمارهٔ F نیز حاکی از معنی‌داری مدل در سطوح اطمینان ۸۵ درصد و کمتر می‌باشد. آمارهٔ LM نیز نشان می‌دهد که جملات اخلال دچار خود همبستگی پیاپی نمی‌باشد.

متغیر بیان‌گر جهانی‌شدن، بر شکاف فقر روستایی اثر مثبت و معنی‌دار دارد. این اثر در دورهٔ بعدی نیز تداوم دارد، به گونه‌ای که به‌دنبال ۱ درصد رشد در شاخص نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی شکاف فقر در دورهٔ جاری و بعدی به ترتیب ۰/۰۴ و ۰/۰۵۱ درصد رشد خواهد یافت. بنابراین جهانی شدن منجر به نامطلوب‌تر شدن شرایط گروه‌های فقیر خواهد شد. همچنین رشد ارزش افزودهٔ بخش کشاورزی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر فقر روستایی می‌باشد که این اثر در دورهٔ بعدی نیز ادامه دارد؛ اما در دورهٔ بعدی از اهمیت آماری لازم برخوردار نمی‌باشد.

متغیرهای تورم و رشد شاخص شکاف فقر دورهٔ گذشته اثر منفی اما فاقد اهمیت آماری بر رشد شکاف فقر روستایی دارند که البته میزان اثر تورم صرف‌نظر از اهمیت آماری آن بر شاخص شکاف فقر بسیار ناچیز می‌باشد. به‌طورکلی به جز در مورد دو متغیر یاد شدهٔ رشد در سایر متغیرها اثر نامطلوب بر شکاف فقر روستایی دارد و این امر حاکی از موقعیت شکننده و نامطلوب افراد فقیر روستایی است. الگوی مربوط به شکاف فقر قادر است با به‌کارگیری متغیرهای یاد شده بیش از ۷۴ درصد از تغییرات شکاف فقر روستایی را توضیح دهد. آمارهٔ F نیز حاکی از معنی‌دار این تصریح در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد.

۳-۱-۳) کل خانوارها

همان‌طور که عنوان شد، در مورد مجموع خانوارهای شهری و روستایی ایران تنها به اطلاعات مربوط به شاخص درصد افراد زیر خط فقر دسترسی وجود داشت، لذا تنها عوامل مؤثر بر این شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۳ آمده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد تابع عوامل موثر بر درصد افراد فقیر (نسبت سرشمار فقر) در میان خانوارهای ایران طی دورهٔ ۸۳-۱۳۶۲

متغیر		ضریب	انحراف معیار	آمارt
C	عرض از مبدأ	-۴۰/۲۰۸	۱۵/۸۸۷	-۲/۵۳۰
FGT0(-1)	شاخص نسبت سرشمار فقر با یک وقفه	۰/۰۰۵	۰/۲۱۷	۰/۰۲۴
CPI	شاخص قیمت مصرف‌کننده	**۱/۳۶۰	۰/۵۶۰	۲/۴۲۶
CPI(-1)	شاخص قیمت مصرف‌کننده با یک وقفه	۰/۳۱۹	۰/۴۷۷	۰/۶۶۹
GNP	تولید ناخالص داخلی	۰/۱۷۸	۰/۶۷۳	۰/۲۶۵
GNP(-1)	تولید ناخالص داخلی با یک وقفه	-۰/۱۰۹	۰/۶۰۶	-۰/۱۸۱
TR	نسبت تجارت به تولید داخل	**۰/۶۴۹	۰/۲۵۱	۲/۵۸۲
TR(-1)	نسبت تجارت به تولید داخل با یک وقفه	*۰/۲۵۸	۰/۱۷۵	۱/۴۷۰
آماره		F ۱/۳۷۷	R^2 ۰/۱۶۸	LM ۰/۳۳(۰/۴۷)

* ،** به ترتیب معنی‌دار در سطح ۱۰، ۵ درصد
مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول شمارهٔ ۳، تنها تورم و متغیر بیان‌گر جهانی شدن بر رشد درصد افراد فقیر اثر معنی‌دار دارند و باعث افزایش این رشد می‌شوند. ۱ درصد رشد در تورم ۱/۳۶ درصد رشد در شاخص تعداد افراد فقیر را به دنبال دارد. همچنین به دنبال ۱ درصد رشد در متغیر نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی، شاخص تعداد افراد فقیر حدود ۰/۹ درصد افزایش خواهد یافت.

علی‌رغم این‌که رشد ارزش افزودهٔ روستایی و شهری اثری معنی‌دار و البته غیر هم جهت بر رشد شاخص تعداد افراد فقیر دارد، اما رشد اقتصادی کشور اثر معنی‌دار بر این شاخص ندارد. رشد ارزش افزوده با یک دورهٔ تأخیر قادر است شکاف فقر را کاهش دهد که البته این اثر نیز معنی‌دار نمی‌باشد. همان‌طور که آمارهٔ F نیز نشان می‌دهد الگوی تصریح شده برای مجموع خانوارها در سطح اطمینان لازم معنی‌دار نمی‌باشد. مقدار ضریب R^2

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

کمتر از ۱۷ درصد است که رقم بسیار پایینی محسوب می‌شود. البته آزمون ریست رمزی نیز حاکی از عدم وجود تورش تصریح بود. آمارهٔ LM نیز وجود خود همبستگی پیاپی میان جملات اخلال را تأیید نکرد. در بخش بعدی تحلیل اثر جهانی شدن بر شاخص‌های فقر با استفاده از داده‌های درآمد و هزینهٔ خانوار صورت گرفته است.

۲-۳) الگوی خرد اقتصادیِ اثر جهانی شدن بر فقر

اثر سطوح افزایش در شاخص ادغام تجاری (شاخص بیان‌گر اثر جهانی‌شدن) شامل ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد بر روی شاخص‌های فقر ارزیابی گردید. نتایج حاصل از این ارزیابی در میان خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک آمده است.

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از موارد حائز اهمیت در تحلیل‌های فقر انتخاب خط فقر به‌صورت مقدار مخارج لازم برای تأمین حداقل‌های زندگی می‌باشد. در این بررسی از خط فقرِ ارائه شده در مطالعهٔ فرجزاده (۱۳۸۳) برای مناطق شهری و روستایی ایران استفاده گردید. مقادیر مطالعهٔ فوق پس از تعدیل توسط شاخص قیمت مصرف‌کننده برای سال ۱۳۸۳ به‌دست آمد. ارقام خط فقر برای سال ۱۳۸۳ به ترتیب ۳۳۱۸۹۵۰ و ۲۱۷۳۳۰۴ ریال برای هر خانوار شهری و روستایی برای یک ماه به‌دست آمد. متوسط بعد خانوار شهری و روستایی نمونه منتخب که از میان ۴۹۳ خانوار شهری و ۵۰۳ خانوار روستایی به‌دست آمد به‌ترتیب ۴/۲ و ۴/۹ نفر می‌باشد. بر اساس نتایج حاصل از شاخص FGT ، ۳۶/۷۴ درصد از خانوارهای شهری و ۲۵/۴۳ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر به‌سر می‌برند. متوسط مخارج ماهانهٔ خانوارهای شهری ۴۶۹۶۲۵۰ و خانوارهای روستایی ۳۶۹۸۵۸۱ ریال می‌باشد. نتایج حاصل از افزایش سطوح مختلف بر شاخص‌های سه گانهٔ درصد افراد فقیر، شکاف و شدت فقر در جداول شمارهٔ ۴ و ۵ آمده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

جدول ۴: نتایج حاصل از اثر افزایش شاخص بیان‌گر جهانی شدن در بخش کشاورزی بر شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی

			شرایط فعلی	شاخص‌های سه‌گانهٔ فقر پس افزایش شاخص بیان‌گر جهانی شدن به میزان				
				٪۱۰	٪۲۰	٪۳۰	٪۵۰	٪۱۰۰
	شاخص نسبت سرشمار	روستایی	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳
تغییرات در شاخص‌ها براساس تغییر در اجزای تقاضای کل گندم		شهری	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴
	شکاف فقر	روستایی	۶/۱۸	۶/۱۸	۶/۱۸	۶/۱۷	۶/۱۷	۶/۱۶
		شهری	۹/۶۳	۹/۶۳	۹/۶۳	۹/۶۳	۹/۶۳	۹/۶۲
	شدت فقر	روستایی	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۱۹
		شهری	۳/۵۲	۳/۵۱	۳/۵۱	۳/۵۱	۳/۵۱	۳/۵۱
تغییرات در شاخص‌ها براساس تقاضای کل گندم	شاخص نسبت سرشمار	روستایی	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳
		شهری	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴
	شکاف فقر	روستایی	۶/۱۸	۶/۱۹	۶/۱۹	۶/۱۹	۶/۲۰	۶/۲۱
		شهری	۹/۶۳	۹/۶۴	۹/۶۴	۹/۶۴	۹/۶۵	۹/۶۶
	شدت فقر	روستایی	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۲۱
		شهری	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۴ ملاحظه می‌شود، افزایش شاخص ادغام تجاری تقریباً باعث تغییر در شاخص‌های سه‌گانهٔ فقر نمی‌شود. لازم به ذکر است که تغییرات مصرف گندم (نان) بر اساس تغییرات در عرضه و واردات منجر به کاهش مصرف سرانه به میزان ۲/۷۸ کیلو در ماه می‌شود؛ اما این مقدار کاهش قادر به تأثیرگذاری بر شاخص‌های فقر نمی‌باشد. میزان شاخص‌های شکاف و شدت فقر شهری در شرایط فعلی (۱۳۸۳) به‌ترتیب ۹/۶۳ و ۳/۵۲ درصد می‌باشد که تحت سناریوهای افزایش شاخص ادغام تجاری، هر یک تنها به میزان ۰/۰۱ درصد تغییر یافته‌اند که تغییر بسیار ناچیزی محسوب می‌شود. نتایج حاصل از تعقیب اثر جهانی شدن با استفاده از معادلهٔ تقاضا نیز بیان‌گر آن است که شاخص درصد افراد فقیر بدون تغییر می‌ماند. در مورد دو شاخص شکاف و شدت فقر نیز میزان تغییرات بین ۰/۰۱ تا ۰/۰۳ درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

می‌باشد که رقم فوق‌العاده ناچیز می‌باشد. در مورد این نحوهٔ اثرگذاری می‌توان گفت که با توجه به سهم اندک مخارج اختصاص یافته به نان در میان سایر مخارج لذا تغییر در میزان مصرف نان تغییر زیادی را باعث نمی‌شود. در نمونهٔ منتخب متوسط مصرف نان در هر ماه ۴۹ کیلو می‌باشد که مخارج آن برابر با ۴۱۶۵۰ ریال است. این میزان مخارج به‌طور متوسط تنها ۰/۸ درصد از متوسط مخارج خانوارهای شهری را شامل می‌شود و در میان فقیرترین خانوار شهری میزان مخارج نان در میان مجموع مخارج تنها ۵/۵ درصد است. به این ترتیب می‌توان گفت در صورتی که قیمت سایر کالاها ثابت باشد، اثر جهانی شدن بر گندم موجب تغییر در شاخصهای فقر در میان خانوارهای شهری نخواهد شد. تغییر در قیمت نان حتی تا افزایش ۱۰۰ درصد نیز تنها تغییرات بسیار ناچیزی در شاخص‌های شکاف و شدت فقر را باعث می‌شود. لازم به ذکر است که تغییر در مخارج اختصاص یافته به نان پس از سناریو افزایش قیمت از دو کانال کاهش در مصرف نان و افزایش قیمت به‌صورت فرضی حاصل می‌شود.

در سال ۱۳۸۳ حدود ۲۵/۴۳ درصد از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر قرار داشته‌اند. میزان شکاف و شدت فقر نیز به‌صورت مقادیر نرمال شده به‌ترتیب برابر با ۶/۱۸ و ۲/۲۰ درصد به‌دست آمد.

تغییر در شاخص ادغام تجاری تحت هر دو رویکرد تقریباً باعث تغییر در مقادیر شاخص‌های فقر نمی‌شود و تنها تغییرات بسیار اندکی در مقادیر شاخص‌های شکاف و شدت فقر مشاهده می‌شود. افزایش قیمت نان نیز تنها منجر به تغییر به میزان کمتر از ۰/۰۴ درصد در مقدار شاخص شکاف فقر و کمتر از ۰/۰۲ درصد در شدت فقر می‌شود. متوسط مصرف نان در میان خانوارهای روستایی ۵۹/۶ کیلوگرم در ماه است که ۵۰۶۶۰ ریال مقدار مخارج صرف شده بر روی نان در هر خانوار در ماه می‌باشد، در حالی که به‌طور متوسط مخارج کل خانوارها حدود ۳۶۹۸۵۸۱ ریال است و سهم مخارج نان ۱/۳ درصد از کل مخارج را شامل می‌شود و حتی در مورد فقیرترین خانوار این سهم تنها بالغ بر ۷ درصد از مخارج کل است. سهم مخارج پایین نان در مجموع مخارج خانوار باعث می‌شود حتی با فرض افزایش قیمت نان به میزان ۱۰۰ درصد نیز تغییری در شاخص‌های فقر ایجاد نشود. البته نباید از نظر دور داشت که تحلیل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

فوق با عنایت به ثابت بودن قیمت سایر کالاها مقبول خواهد بود.

در قالب سناریوی دیگر، افزایش قیمت نان به‌عنوان پیامد محتمل ناشی از همگرایی اقتصاد ایران به‌صورت اقتصاد جهانی انتخاب و اثر آن بر روی شاخص‌های فقر مورد سنجش قرار گرفت. افزایش قیمت نان بر اساس این استنباط انتخاب و مورد سنجش قرار گرفت که به‌دنبال جهانی شدن، کاهش یارانه‌ها از جمله الزامات می‌باشد؛ لذا از پیامدهای همگرایی با اقتصاد جهانی افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای می‌باشد. سطوح افزایش قیمت نان نیز شامل ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد می‌باشد.

جدول ۵ : نتایج حاصل از اثر افزایش قیمت نان بر شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی

	شاخص‌های فقر	شرایط فعلی	سطوح افزایش قیمت نان		
			٪۲۰	٪۵۰	٪۱۰۰
تغییرات در شاخص‌های فقر شهری بر اساس تغییر در قیمت نان	شاخص نسبت سرشمار	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴	۳۶/۷۴
	شکاف فقر	۹/۶۳	۹/۷۲	۹/۷۵	۹/۷۹
	شدت فقر	۳/۵۲	۳/۵۶	۳/۵۷	۳/۶۰
تغییرات در شاخص‌های فقر روستایی بر اساس تغییر در قیمت نان	شاخص نسبت سرشمار	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳	۲۵/۴۳
	شکاف فقر	۶/۱۸	۶/۲۰	۶/۲۳	۶/۲۷
	شدت فقر	۲/۲۰	۲/۲۱	۲/۲۲	۲/۲۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مورد هر دوی خانوارهای روستایی و شهری، با افزایش هر سه سطح قیمت نان، درصد افراد زیر خط فقر تغییر نمی‌کند و همواره پس از افزایش قیمت نان حتی به میزان ۱۰۰ درصد نیز درصد افراد فقیر در همان سطح قبل از افزایش قیمت ثابت باقی می‌ماند. میزان تغییرات دو شاخص دیگر نیز در میان خانوارهای شهری و روستایی چندان قابل ملاحظه نمی‌باشد، اما در عین حال تغییرات در دو شاخص شکاف و شدت فقر در میان خانوارهای شهری بیش از خانوارهای روستایی است، به این ترتیب که در میان خانوارهای شهری با افزایش قیمت نان به میزان ۱۰۰ درصد، دو شاخص شکاف و شدت فقر هر یک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

به ترتیب به میزان ۰/۱۶ و ۰/۰۸ درصد افزایش پیدا می‌کنند، حال آن‌که این رقم‌ها در مورد خانوارهای روستایی به ترتیب برابر با ۰/۰۹ و ۰/۰۴ درصد است.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

مقایسهٔ توابع شکاف فقرِ برآورد شده برای مناطق روستایی و شهری ایران حاکی از تفاوت قابل ملاحظه می‌باشد. به این ترتیب که افزایش همگرایی اقتصاد ایران به سوی اقتصاد جهانی، علی‌رغم کاهش شکاف فقر در میان خانوارهای شهری بر خانوارهای روستایی اثر نامطلوب دارد. از این رو مطلوب آن است که الگوهای مطالعهٔ فقر در میان خانوارهای شهری و روستایی به‌صورت تفکیکی مورد استفاده قرار گیرد. در خصوص اثر جهانی شدن در میان خانوارهای شهری بر اساس جهت اثرگذاری متغیرهای مورد استفاده انتظار می‌رود رونق اقتصادی، به‌ویژه اگر این رونق در سایهٔ حضور بیشتر در عرصه جهانی باشد، بر شاخص‌های فقر اثر مطلوب بر جای گذارد. اما در میان خانوارهای روستایی شرایط متفاوتی نسبت به خانوارهای شهری مشاهده می‌شود؛ به این ترتیب که اثر متغیرهای جهانی شدن بر گروه‌های مختلف متفاوت خواهد بود. بر اساس نتایج، حضور بیشتر ایران در عرصهٔ جهانی درصد افراد فقیر را کاهش خواهد داد. اما از سوی دیگر بر اساس شاخص شکاف فقر، شرایط گروه‌های فقیرتر در وضعیت نامطلوب‌تری قرار خواهد گرفت و این به‌معنی افزایش لزوم حمایت از گروه‌های فقیرتر روستایی به موازات جهانی شدن می‌باشد. از دیگر نتایج جالب توجه تأثیر نامطلوب رشد بخش کشاورزی بر فقر روستایی می‌باشد، به گونه‌ای که بر طبق نتایج انتظار می‌رود به دنبال رشد بخش کشاورزی بر میزان دو شاخص فقر مورد مطالعه افزوده شود. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت توزیع منافع تولید در میان مناطق روستایی ناعادلانه بوده و این با توجه به اهمیت عوامل تولید در سطح درآمد افراد در بخش کشاورزی می‌تواند ناشی از تفاوت افراد در سطح دسترسی به عوامل تولید باشد. این تفاوت به‌ویژه وقتی تولیدکنندگان از سیاست های حمایتی منتفع می‌شوند بیشتر می‌گردد.

همچنین مشخص گردید متغیر نرخ تورم (رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده) بر خلاف مطالعه راویلیون (۲۰۰۶) در مورد خانوارهای روستایی چین در میان خانوارهای شهری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

ایران باعث کاهش رشد شاخص سرشمار فقر می‌شود. البته این اثر در دو تصریح دارای تفاوت زیاد است.

با توجه به تأثیرپذیری اندک توابع عرضه، تقاضا و واردات گندم از متغیر بیان‌گر جهانی‌شدن و همچنین سهم اندک نان در مخارج خانوارها، اثر جهانی شدن بازار گندم بر شرایط گروه‌های فقیر بسیار ناچیز است. البته همان‌طور که راویلیون معتقد است، استفاده از شاخصِ بیان‌گر جهانی شدن، تنها کانال بررسی اثر جهانی شدن نمی‌باشد بلکه فرآیند جهانی شدن از کانال‌های دیگر نیز قابل ارزیابی است. به‌عنوان مثال افزایش رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی در اثر افزایش سطح مبادلات تجاری از جمله کانال‌های اثرگذاری غیرمستقیم تجارت بر فقر است.

۵) پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این مطالعه می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

الف) با عنایت به تفاوت میان خانوارهای شهری و روستایی از نظر نحوه و نوع تأثیرپذیری از جهانی شدن، مطلوب آن است که سیاست‌هایی که به منظور بسترسازی برای جهانی شدن استفاده می‌شود در مناطق شهری و روستایی یکسان نباشد؛

ب) با توجه به اثر نامطلوب جهانی‌شدن بر شرایط زندگی گروه‌های آسیب‌پذیر روستایی لازم است به موازات افزایش همگرایی اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی، با اجرای سیاست‌های حمایتی به این گروه‌ها توجه بیشتری شود؛

ج) هدایت برنامه‌های حمایتی بخش کشاورزی در جهتی که افراد فقیرتر را در تیررس خود قرار دهد؛

د) بررسی‌های دیگری در زمینهٔ نحوهٔ تأثیرپذیری خانوارهای که در آن‌ها از داده‌های درآمد و هزینهٔ خانوار استفاده می‌شود به‌صورت تفکیکی برای خانوارهای شهری و روستایی صورت گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

منابع References

- رحیمی، عباس و کلاتتری، عباس. (۱۳۷۹)، **بررسی اقتصادی یارانه**، چاپ سوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳)، **طرح آمارگیری درآمد و هزینه خانوار**، تهران.
- شوشتریان، آشان. (۱۳۸۲)، **بررسی آثار آزادسازی بازار گندم ایران بر روی رفاه اجتماعی و فقر**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- فرج‌زاده، زکریا و نجفی، بهاءالدین. (۱۳۸۳)، **آثار کاهش یارانه مواد غذایی بر شاخص‌های فقر**، فصلنامهٔ بانک و کشاورزی، شمارهٔ ۳.
- فرج‌زاده، زکریا و نجفی، بهاءالدین. (۱۳۸۳)، **اثرات کاهش یارانه مواد غذایی بر مصرف‌کنندگان در ایران**، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شمارهٔ ۲۰.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۷)، **اندازه شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵**، تهران.
- موسوی، سیدنعمت اله. (۱۳۸۵)، **بررسی آثار جهانی شدن در بخش کشاورزی ایران**، رساله دکتری، تهران، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم وتحقیقات.
- Arndt, S. W. (1996), **Globalization and Trade: A Symposium**, The World Economy, 20(5).
- Bhasin, V. & Annim, S.K. (2005), **Impact of Elimination of Trade Taxes on Poverty and Income Distribution in Ghana**,Working Paper.
- Cororaton, C. B. & Cockburn, J. (2005), **Trade Reform and Poverty in the Philippines: A Computable General Equilibrium Micro simulation Analysis**, project report of International Development Research Centre (IDRC).
- Datt, G. (1998), **Computational Tools for Poverty Measurement and Analysis**, FCND Discussion Paper, No. 50,available at: <http://www.ifpri.org>.
- Decaluwé, B.; Patry, A.; Savard. L. & Thorbecke, E. (1999), **Poverty Analysis Within a General Equilibrium Framework**, Working Paper of International Development Research Centre (IDRC).
- Dorosh, P. A. & Sahn, D. E. (2000), **A General Equilibrium Analysis of the Effect of Macroeconomic Adjustment on Poverty in Africa**, Journal of Policy Modeling, 22(6).
- Goldsmith, P. D; Gunjal, K. & Ndarishikanye, B. (2004), **Rural-Urban**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

References منابع

Migration and Agricultural Productivity: The Case of Senegal, Agricultural Economics, 31.

- Greenaway, D.; Morgan, W. & Wright, P. (2002), **Trade Liberalization and Growth in Developing Countries**, Journal of Development Economics.
- Minot, N. & Goletti, F. (2001), **Rice Market Liberalization and Poverty in Vietnam**, IFPRI Research Report.
- Mujeri, M. K. & Khandaker, B. H. (2002), **Impact of Macroeconomic Policy Reforms in Bangladesh: A General Equilibrium Framework for Analysis**, project report of International Development Research Centre (IDRC).
- Nawazish, A. (1998), **Globalization, Its Impact on the Economies of OIC Countries and the Role of the Private Sector**, Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries, 19.
- Ravalion, M. (2006), **Looking Beyond Averages in the Trade and Poverty Debate**, World Development, 34.
- Ravallion, M. & Chen, S. (2006), **Chinas (Uneven) Progress Against Poverty**, Policy Research Working Paper 3408, World Bank, Washington D.C.
- Seshamani, V. (1999), **The Impact of Market Liberalization on Food Security in Zambia**, Food Policy, 23 (6).
- Siddiki, R. & Kemal, A. R. (2002), **Remittances, Trade Liberalization, and Poverty in Pakistan: The Role of Excluded Variables in Poverty Change Analysis**, Working Paper, Pakistan Institute of Development Economics.
- Winters, S. L.; McCullouch, M. & McKay, A. (2004), **Trade Liberalization and Poverty: The Evidence So Far**, Journal of Economic Literature, Vol. XLII, pp. 72–115.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

دیگر مقالات



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]